

• پیش‌درآمد: روزگار شاگردی و انس

بنده بیش از یک دهه (از حدود ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ش) توفیق شاگردی، انس و مؤانست نزدیک در محضر عالم ربانی و فقیه محقق، آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی را داشتم. در دروس خارج فقه آن استاد بزرگوار، از ماه‌های پایانی تدریس در مدرسه حقانی تا مدرسه فیضیه و مسجد اعظم، در سه میحت فقهی «خمس»، «نکاح» و بخشی از «کتاب‌الصوم» شرکت جستم.

علاوه بر جلسات رسمی درس، توفیق همراهی مستمر با معظم^{له} برایم فراهم بود؛ در بسیاری از روزها در نماز صبح حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه^{علیها}، درس ساعت ده، نماز ظهر در مدرسه فیضیه، جلسه غروب دفتر و نماز مغرب حرم مطهر حضورشان را درک می‌کردم و غالباً در مسیر پیاده‌روی بازگشت به منزل، همراه ایشان بودم.

همچنین در برخی مجالس و برنامه‌های پیاده‌روی موردی توفیق همراهی داشتم. آن فقیه بزرگوار هیچ‌گاه مسیر را به سکوت نمی‌گذراندند؛ اگر همراهان سؤالی مطرح نمی‌کردند، ایشان خود به‌مناسبت درس روز، حواشی آن، طرح مسائل علمی، بازخوانی رویدادهای تاریخی، یادکرد رجال و شخصیت‌ها، معرفی تراث مکتوب یا بیان لطائف عبرت‌آموز می‌پرداختند. در همان سال‌ها به ثبت این نکات همت گماردم و صفحاتی را همراه با ذکر دقیق تاریخ نگاشتم؛ اما پس از اطلاع از طرح ارزشمند فاضل ارجمند حجت‌الاسلام والمسلمین رضا مختاری در مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه، از ادامه موازی‌کاری منصرف شدم. بی‌شک مجموعه وزین «جرعه‌ای از دریا» که امید است مجلدات بعدی آن سامان یابد، منبعی کم‌نظیر و قابل استناد برای اهل علم است.

خاطرات پیش‌رو، رویدادهایی است که بی‌واسطه از لسان مبارک ایشان شنیده‌ام و تعهد اخلاقی و شرعی دارم که چیزی بر محتوای آن‌ها نیفزایم یا از آن نکاهم. بنده همواره به اساتیدم از کرج و شهری تا قم ارادت داشته‌ام؛ اما حساب دو استاد فرزانه‌ام (حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی و حضرت آیت‌الله جعفر سبحانی) متفاوت است؛ چنان‌که گاه استاد سبحانی با خنده‌ای بر لب مطایبه می‌کردند: «تو اینجا هم که هستی، دلت پیش آقاموسی است!» درک و فهم این شاگرد ناچیز این است که آیت‌الله‌العظمی شبیری، یکی از نقاط عطف در تاریخ فقه امامیه به‌شمار می‌آیند؛ چراکه «جامعیت علمی» کم‌نظیری در فقه، اصول، تفسیر، حدیث، رجال، درایه، کلام و تاریخ داشتند و این همه را با مشی رفتاری معتدل و روحی لطیف درآمیخته بودند.

• فصل اول: مناسبات و داوری‌ها درباره شخصیت‌ها و اعلام

۱. امام خمینی

والد آیت‌الله شبیری، آیت‌الله سیداحمد زنجانی، از نزدیک‌ترین دوستان امام خمینی بودند. آیت‌الله شبیری در درس مکرر از امام با احترام یاد کرده، آرای ایشان را با دقت مطرح می‌کردند و می‌گفتند: «آقای خویی حافظه فوق‌العاده‌ای داشت و گاهی با اتکا به حافظه، مطلب می‌گفت؛ ولی آقای خمینی که چنین حافظه‌ای نداشت، به منابع رجوع می‌کرد و از دقت فقهی بیشتری برخوردار بود.» آیت‌الله شبیری می‌افزودند: «آقای خمینی در جوانی بسیار باهیمنه و پربصابت بودند؛ اما در سال‌های پایانی حیات، روحی بسیار لطیف یافته بودند.»

۲. **قائد شهید، آیت‌الله العظمی خامنه‌ای**
علاقه و انس متقابل میان قائد شهید و آیت‌الله شبیری سابقه‌ای دیرین داشت؛ چنان‌که بخشی از این ارتباط در مباحث کتاب چهار کتاب اصلی علم رجال نیز هویداست. در تمام سال‌های هم‌نشینی، هرگز نقدی بر زبان ایشان نسبت به رهبری نشنیدم؛ بلکه پیوسته در موضع تجلیل و تکریم بودند. مکرر می‌گفتند: «یکی از دلایل علوّ درجه و توفیق آقای خامنه‌ای این است که ایشان به‌رغم شرایط تحصیلی و توانمندی‌های علمی، حوزه علمیه قم را رها کردند و برای خدمت به پدر بزرگوارشان به مشهد برگشتند.»

در مسائلی چون رؤیت هلال ماه شوال که احتمال اختلاف فتوا می‌رفت، دستور می‌دادند تلفن‌های دفتر و منزل قطع و درب دفتر بسته شود تا نظر مخالف با رهبری علنی نگردد. روزی پرسیدم: وظیفه مقلدان شما چه می‌شود؟ گفتند: «آن‌هایی که متوجه اختلاف نمی‌شوند معذوزند و تکلیفی ندارند؛ کسانی هم که بعداً متوجه می‌شوند، یک‌روز روزه فضا می‌گیرند.» دیدارهای میان آن دو بزرگوار پیوسته برقرار بود. همچنین در

در محضر عالم ربانی و فقیه صّمدانی

بازخوانی سیره اخلاقی، علمی، سیاسی و فقهی

آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی

به‌قلم حجت‌الاسلام والمسلمین محمدمصفر جبرئیلی

«إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»؛ تاریخ حوزه‌های علمیه و فقه پویای امامیه همواره وام‌دار ستارگان پرفروغی است که مرزهای فقا‌هت را از صرف انباشت اصطلاحات فراتر برده و آن را با تهذیب باطن، حریت اندیشه، تتبع موشکافانه و زیست اخلاقی پیوند زده‌اند. در عصر حاضر، بی‌شک آیت‌الله‌العظمی حاج‌آقا موسی شبیری زنجانی از نوادر فقا‌هت و نقطه‌های عطف تراث علمی معاصربه‌شمار می‌آیند؛ فقیه‌ی که احاطه کم‌نظیرش بر رجال، درایه، نصوص کهن و فقه مقارن، همراه با روحیه اعتدال، انصاف و پیراستگی از جلوه‌گری‌های دنیوی، از ایشان چهره‌ای مرجع، وثیق و الهام‌بخش ساخته است. شناخت سیره چنین شخصیت‌هایی صرفاً از مجرای کتب فقهی و تقریرات درسی میسر نمی‌شود؛ بلکه اصیل‌ترین و گویاترین تصویر را می‌توان در آینه رفتارها، خرده‌روایت‌های روزمره، قضاوت‌های منصفانه درباره اشخاص و مواجهه آنان با فراز و فرودهای فکری، سیاسی و اجتماعی جست‌وجو کرد. ثبت و بازخوانی این لحظات، نه‌تنها گونه‌ای وفاداری اخلاقی به مقام استاد است؛ بلکه سندی ماندگار برای نسل‌های آینده حوزه‌های علمیه محسوب می‌شود تا مشی اجتهاد واقعی و سلوک عملی عالمان راستین را بازشناسند.

نوشتار حاضر، روایتی دست‌اول، شفاف و بی‌واسطه از سال‌ها انس و همراهی شاگردی فاضل و محقق -جناب حجت‌الاسلام والمسلمین محمدمصفر جبرئیلی- در محضر این فقیه نامدار است. نویسنده که خود از پژوهشگران و اساتید مبتز حوزه و دانشگاه به‌شمار می‌رود، با تکیه بر بیش از یک‌دهه مراودت نزدیک و گفت‌وگوهای ناپیدای علمی در مسیرهای پیاده‌روی، مجالس صمیمی و جلسات درس، کوشیده است تا ابعاد گوناگون شخصیت استاد خویش را به تصویر بکشد.

عظام بهجت و شبیری نهی کنند، نپذیرد. آیت‌الله شبیری با استناد صریح به حدیث «الْقَرِیْشُ الْوُشْطٰی هِیَ الْجَادَّةُ»، او را نهی کردند؛ اما پاسخ مکتوب آیت‌الله بهجت صراحت لازم را نداشت

که آیت‌الله شبیری در دیداری دوستانه با ایشان، از این عدم صراحت گلایه کردند. همچنین پس از ارتحال آیت‌الله اراکی، آیت‌الله بهجت را به زهد و علم می‌ستودند. نقل می‌کردند که در آغاز ورود آیت‌الله بهجت از نجف به قم، همراه با آقای سیدمهدی روحانی مدتی کوتاه نزد ایشان مبانی محقق اصفهانی را مباحثه کردند.

۵. آیت‌الله‌العظمی جعفر سبحانی

آغاز رفاقت صمیمانه آیت‌الله شبیری و آیت‌الله سبحانی به سال ۱۳۶۵ق برمی‌گردد. آیت‌الله شبیری در نامه‌ای از سال ۱۳۶۶ق، از ایشان با تعبیر «دوست معظم و دانشمند گرامی» یاد کرده بودند. ایشان مکرر می‌گفتند: «آقای سبحانی مستقیم است» در سالی که برف سنگینی در قم باریده بود و آیت‌الله شبیری به‌سبب کسالتی در



منزل استراحت می‌کردند، شبی در معیت آیت‌الله سبحانی به عبادت‌شان رفتم؛ دیدم ایشان مشغول مطالعه کتاب علامه مجلسی اثر استاد حسن طارمی هستند و از آن بسیار تمجید کردند.

پس از افتتاح شبستان امام خمینی در حرم مطهر، جلسه‌ای با سخنرانی آیت‌الله سبحانی برگزار شد و آیت‌الله شبیری نیز حاضر بودند. فردای آن روز، معظم‌له به من گفتند: «به آقای سبحانی سلام برسانید و بفرمایید عذرخواهی می‌کنم که به‌جهت آماده‌شدن برای اقامه نماز

جماعت نتوانستم تا پایان سخنرانی بمانم؛ ضمناً این نقد علمی را هم بر فرمایش ایشان دارم.» پیام را منتقل کردم. آیت‌الله سبحانی با روی گشاده استقبال کردند، توضیحاتی دادند و سپس پاسخی کتبی با عنوان «جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آیت‌الله...» نگاشتند. نامه را به آیت‌الله شبیری رساندم؛ گفتند: «تشکر می‌کنم؛ اما هنوز نقد خود را وارد می‌دانم.» آیت‌الله سبحانی بارها می‌گفتند: «معلوم است؛ هر کسی به‌راحتی از نکته‌بینی و نکته‌سنجی آقاموسی در نمی‌رود!»

۶. استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری

آیت‌الله شبیری از استاد مطهری به‌عنوان متفکری برجسته یاد می‌کردند. در درس خارج بحث نکاح، ایشان دو تا سه جلسه کتاب مسئله حجاب استاد مطهری را به روی منبر تدریس آوردند و ضمن تجلیل وافر، برخی برداشت‌ها را نقد نمودند. از جمله خاطرات قابل‌توجه، تلگراف تسلیت فوت والد شهید مطهری است؛ آیت‌الله شبیری تحت تأثیر سعایت برخی افراد، ایشان را صرفاً «حجت‌الاسلام» خطاب کرده بودند؛ اما شهید مطهری در پاسخ از عنوان «حجت‌الاسلام والمسلمین» استفاده کرده بود. معظم‌له می‌گفتند: «من بسیار خجالت کشیدم؛ به‌ویژه که ایشان حق استادی بر گردنم داشت و مدتی نزدشان درس خوانده بودم. بعدها معلوم شد، سخن چین آدم مطمئنی نبوده است.»

خاطره دیگر درباره تمایل اولیه استاد مطهری برای ازدواج با صبیّه بزرگ حضرت امام خمینی(خانم فریده مصطفوی، همسر مرحوم آیت‌الله اشراقی) بود؛ امام موافق بودند؛ ولی والدّه مخالفت کرده بودند. آیت‌الله شبیری می‌گفتند: «ما ابتدا گمان می‌کردیم آقای مطهری به این انگیزه در درس آقای خمینی شرکت می‌کند؛ اما بعدها روشن شد، ارادت و اعتقاد عمیق علمی به شخص ایشان دارد.» این خاطره را برای جناب آقای دکتر محمد مطهری نقل کردم. گفت: اصل ماجرا را از والدّه شنیده بودند؛ اما نه با این جزئیات. درباره ریشه بدبینی آیت‌الله‌العظمی بروجردی به شهید مطهری نیز گفت: علت، سعایت و بدگویی اطرافیان بیت بود.

۷. آیت‌الله‌ابوطالب تجلیل تبریزی

آیت‌الله شبیری نظام آموزش خارج اصول



در حوزه را نیازمند اصلاح می‌دانستند و تطویل چندساله آن را غیرلازم شمرده، معتقد بودند، دوره ضروری را می‌توان ظرف سه سال تکمیل کرد. در سال ۱۳۸۴ از ایشان پرسیدم: برای چنین دوره‌ای نزد چه کسی زانو بزنیم؟ گفتند: «نزد آقای تجلیل؛ بگویید از طرف من آمده‌اید.» به حسینه شهدا نزد آیت‌الله تجلیل رفتم؛ ایشان با تواضع گفت: به‌دلیل فوت همسر و اشتغال به تدریس خارج فقه که چندسالی است تعدادی از بانوان هم در آن شرکت می‌کند، توان آغاز دوره جدید ندارد. به‌مناسبت معرفی اساتید، روزی از استادی که خارج فقه و اصول می‌گفت، پرسیدم، آیت‌الله خیلی راحت گفتند: «ا، مگر بلده؟!» و می‌گفت: «تدریس خارج آسان‌تر از سطح است؛ زیرا در خارج استاد هرچه خود بلد است، می‌گوید؛ ولی در سطح ملزم است متن دشوار کتاب را صاف و حل کند.»

۸. آیت‌الله محمدعلی معزّی دزفولی

ایشان مکرر از کتاب «تجدید الدّوارس و تحدید المدارس» (۸ج) تألیف آیت‌الله معزّی دزفولی تمجید می‌کردند؛ با وجود آن‌که مؤلف در حوزه قم و نجف تحصیل نکرده بود؛ اما آیت‌الله شبیری، روش تتبع و جامعیت کتاب را بسیار می‌ستودند و فراوان از آن نام می‌بردند.

۹. **آیت‌الله سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی**
رفاقت دیرینه‌ای میان ایشان برقرار بود. آیت‌الله شبیری می‌گفتند: «اگر آقا سید عبدالکریم وارد مناصب اجرایی و امور اجتماعی نمی‌شد، در فضل و فقا‌هت میان فضلای آذری نفر اول بود.» همچنین این عبارت آیت‌الله اردبیلی را مکرر درباره فقیه بزرگ، آیت‌الله خویی نقل می‌کردند: «قَلَمًا يُرَاجِعُ الْجَوَاهِرَ» (آقای خویی کمتر به کتاب جواهرالکلام مراجعه می‌کردند.) نقل می‌کردند که آیت‌الله خویی از بازگشت سه طلبه فاضل سید (سیدموسی شبیری، سیدموسی صدر و سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی) از نجف به ایران بسیار اظهار تأسف کرده بودند.

۱۰. آیت‌الله سیدمهدی روحانی

آیت‌الله سید مهدی روحانی شخصیتی محوری در حلقه مباحثات علمی ایشان بود. آیت‌الله شبیری تسلط تفسیری و شناخت عمیق ایشان از مذاهب اسلامی را می‌ستودند. از فرزندشان شنیدم که پس از درگذشت آقایان روحانی و احمدی میانجی فرموده بودند: «با رفتن این‌ها کرم شکست!» در مجالس روضه هفتگی منزل آقای روحانی، فضایی از صفا و صمیمیت حاکم بود. یک‌بار مرحوم آیت‌الله آذری قمی در شرح دعای «یا من ارجوه...» با صدای بلند گفت: «آقا مهدی! بین آقا موسی هم حرف مرا تأیید کرد!» و آقای روحانی بلافاصله با مطایبه پاسخ داد: «آقا موسی از ترس تو هیچی نمی‌گه، وگرنه حرفت رو تأیید نمی‌کنه!».

ادامه در صفحه بعد